

# مکاتبات بوکچین - اوجالان

ریمار هایپر



# مکاتبات بوکچین . اوچالان

ریمار هایدر

ترجمه‌ی کمیته شهید عاکیف مامو زاگرس



نام اثر: مکاتبات بوکچین - اوجالان

گردآوری: ریما هایدِر

مترجم: کمیته شهید عاکیف مامو زاگرس

طراحی و صفحه‌آرایی: کمیته شهید عاکیف مامو زاگرس

نوبت چاپ: پاییز ۲۰۲۳

این اثر ترجمه ای است از :

Bookchin-Öcalan Correspondence/ Various Authors - 2004

برگرفته از وبسایت [Archive.org](https://archive.org)

قابل دسترسی در وبسایت [TheAnarchistLibrary.org](https://TheAnarchistLibrary.org)

# فهرست

- ۱ سخنی با خواننده در باب چرایی ترجمه
- ۴ نامهٔ ریمار هایدر ( واسطه اوجالان ) به مورای بوکچین و ژانت بیهل
- ۷ پاسخ مورای بوکچین به ریمار هایدر
- ۱۱ نامهٔ ریمار هایدر و الیور گنتنی به مورای بوکچین
- ۱۵ نامهٔ مورای بوکچین به ریمار هایدر
- ۱۷ نامهٔ ریمار هایدر و یوتا اشنایدربانگر به مورای بوکچین و ژانت بیهل
- ۲۱ از ژانت بیهل به ریمار هایدر و یوتا اشنایدربانگر



**سخنی با خواننده در باب چرایی ترجمه**

دروغایه اثر حاضر، نامه‌های ردوبدل شده میان رهبر خلق‌ها «رهبر آپو» و مورای بوکچین می‌باشد. از آنجایی که زمان نگارش نامه‌ها مصادف است با دوران کهولت سن بوکچین و بیماری وی، نمی‌توان توقع محتوایی علمی و مناظره‌ای تمام‌عیار میان این دو اندیشمند را داشت؛ بنابراین، نامه‌های فوق‌الذکر بیشتر سندی تاریخی دربارهٔ تحوّل (گذار) رهبر آپو از سوسیالیسم رئال به سوی ایدهٔ «کنفدرالیسم دمکراتیک»، محسوب می‌شوند؛ البته بر کسی پوشیده نیست که شرایط حاکم بر جزیرهٔ امرالی و انزوای مطلق تحمیل شده بر ایشان، هرگونه فرصت دیالوگ و تبادلِ نامه با وی را از میان برمی‌دارد. ورود به جزیرهٔ امرالی مطلقاً ممنوع بوده و هیچگونه خبر (موثقی) از رهبر آپودر دست نیست.

با توجه به گزاره‌های فوق، درک این مطلب که چرا هیچگاه ارتباطی مستقیم میان بوکچین و رهبر آپو صورت نگرفت، چندان دشوار نیست. نامه‌های مندرج در این کتابچه نیز چندین بار به صورت شفاهی از شخصی به شخصی دست به دست شده‌اند تا به دست مخاطبان اصلی خویش برسند. البته از آنجایی که واسطه‌های ایجاد این ارتباط غیرمستقیم، از یک سو وکلا و مترجمان آثار رهبر آپو و از دیگر سو، ژانیت بیهل<sup>۱</sup> - همسر و هم‌رزم مورای بوکچین می‌باشند، در صحت و سقم محتویات این نامه‌ها نمی‌توان تردید کرد. در این ارتباط غیرمستقیم، آقای ریمار هایدِر<sup>۲</sup> مترجم آلمانی آثار رهبر آپو، نقشی اساسی ایفا می‌کند و وظیفه رد و بدل کردن نامه‌ها و انتقال محتویات آن‌ها به عهده ایشان بوده است. علاوه بر این وی تا حدودی اخباری مرتبط با گرویدن رهبر آپو به نظریهٔ «اکولوژی اجتماعی» و آثار منتشر شده تا ۲۰۰۴ را به اطلاع مورای بوکچین رسانده است. البته در این راه، وی از کمک یوتا اشناپدربانگر<sup>۳</sup> و آلیور گنتنی<sup>۴</sup> نیز برخوردار بوده است. حاصل این تلاش‌های شایان تقدیر شش نامهٔ چاپ‌شده در این کتابچه است.

با توجه به گذشت بیش از ۱۷ سال از زمان نگاشته شدن این نامه‌ها، سوآلی که ذهن خوانندگان را به خود مشغول می‌دارد معطوف به «چرایی» ترجمهٔ این نامه‌ها می‌باشد، آنهم در این برهه از زمان و سپری شدن حدود ۱۷ سال از درگذشت بوکچین. در پاسخ به این پرسش، بایستی دو نکتهٔ بسیار حائز اهمیت را مطرح نماییم:

۱- هدف از ترجمهٔ این نامه‌ها به زبان فارسی بازتاب رویهٔ تغییر پارادایم رهبر آپو و

---

1- Janet Biehl  
2- Reimar Heider  
3- Uta Schneiderbanger  
4- Oliver Kontny

جایگاه راستین مورای بوکچین در این پارادایم جدید است. افزون بر این، ضرورت ترجمه و آفرینش منابع دست اول برای تحقیق پیرامون پارادایم نوین جنبش آپوئیستی نیز مزید بر علت شد تا این کتابچه را برای استفاده علاقه‌مندان به تاریخ جنبش آزادی‌بخش گُردستان ترجمه نماییم. همچنین، مطالعه این نامه‌ها می‌تواند درکی نسبی از رویه پذیرش «اکولوژی اجتماعی» و «کمونالیسم» از سوی رهبر آپو و جنبش آپویی، بدست دهد؛ رویه‌ای که آکنده از خودانتقادی، مباحثه، کنکاش و تحقیق بوده و افعال در آن جایی ندارد.

۲- در شرایطی که سیستم انزوای تحمیلی بر جزیره امرالی به اوج خود رسیده و از وضعیت رهبر آپو خبری در دست نیست، هر نوع تلاشی برای تنویر افکارعمومی خلق‌ها، آزادی‌خواهان فارسی‌خوان - چه در ایران و چه در افغانستان - می‌تواند اقدامی موثر باشد و نتایج آن بدون شک قابل توجه خواهد بود؛ چرا که جنبش آپویی، متحدین استراتژیک خویش را نه از میان دولتمردان و قدرت‌طلبان، بلکه در میان ستمدیدگان و فرودستان منطقه می‌جوید. بنابراین رفقای ما در ایران و افغانستان، که به واسطه انقلاب روژآول، پیرامون جنبش آپویی و ارتباط آن با ایده‌های مورای بوکچین شناختی نسبی بدست آورده‌اند، با مطالعه این نامه‌ها می‌توانند تا حدودی، آن حلقه مفقوده از زنجیره ورود سوسیالیسم لیبرتارین به گُردستان را نیز یافته و درک عمیق‌تری از پارادایم نوین حزب کارگران گُردستان PKK، حزب حیات آزاد گُردستان PJAK و دیگر سازمان‌های آپویی کسب کنند.

امید است ترجمه این نامه‌ها بتواند سرآغازی شود برای ترجمه آثار مورای بوکچین به زبان فارسی، و فراهم گشتن منابعی غنی برای تحقیق درباره اندیشه‌های رهبر آپو و بوکچین.

مترجم



نامهٔ ریمار هایدر ( واسطه رهبر آپو )  
به مورای بوکچین و ژانت بیهل

۶ آوریل ۲۰۰۴



دوستان عزیز لطفاً اجازه دهید خودم را معرفی کنم؛ نام من ریماز هایدِر<sup>۱</sup> است، من یکی از مترجمان آلمانی آثار عبدالله اوجالان، زندانی سیاسی و بزرگ‌ترین متفکر و سیاستمدار کُرد هستم.

در طی پنج سال اخیر، اوجالان در زندان انفرادی بسر می‌برد<sup>۲</sup>. در خلال این دوران وی ترجمهٔ ترکی برخی از آثار مورای بوکچین را مطالعه کرده است به ویژه «اکولوژی آزادی»<sup>۳</sup> و «به سوی جامعه‌ای اکولوژیک»<sup>۴</sup> که وی را عمیقاً تحت تأثیر قرار داده‌اند. او راهبرد سیاسی خویش را حول محور چشم انداز «جامعه‌ای اکولوژیک - دمکراتیک» بازسازی کرده است و الگویی را برای برساخت جامعه‌ای مدنی در گُردستان و خاورمیانه پیشبرد داده است. وی کتاب‌های بوکچین را به تمامی شهرداران شهرهای گُردستان پیشنهاد نموده و همگان را به مطالعه آن‌ها فرا می‌خواند.

من می‌دانم که آیا آقای بوکچین از این موضوع مطلع شده‌اند یا خیر اما مطمئن هستم که از شنیدن این مسأله مشعوف خواهند شد. کتاب‌های او، به‌ویژه «اکولوژی آزادی» اکنون در ترکیه و گُردستان خوانده شده و مورد بحث قرار می‌گیرند. (من شخصاً کتاب اکولوژی آزادی را به آلمانی و ترکی خوانده‌ام و درمورد آن سمیناری ارائه داده‌ام).

از این بابت که هنوز ترجمهٔ انگلیسی از کتاب‌های اخیر اوجالان در دست نیست متأسفم. من بسیار مشتاقم تأثیر کتاب‌های آقای بوکچین و دیگر کتاب‌ها بر اوجالان را به شما نشان دهم. اما اگر کسی از میان شما آلمانی می‌داند، می‌توانم صفحاتی از آخرین کتاب ایشان را برایتان ارسال نمایم.

شوربختانه من نتوانستم آدرس ایمیل آقای بوکچین را پیدا کنم. اطمینان

۱ - Reimar Heider: فیزیکدان، فعال سیاسی و یکی از سخنگویان ابتکار عمل «آزادی برای اوجالان - صلح برای گُردستان» می‌باشد که آثار متعددی از اوجالان را به زبان آلمانی برگردانده است. وی در جریان تبادل نامه میان مورای بوکچین و رهبر آپو، نقشی اساسی ایفا نموده است.  
۲ - نگارش این نامه به سال ۲۰۰۴ باز می‌گردد و مراد نگارنده سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۴ می‌باشد.

3 - The Ecology of Freedom

4 - Towards an ecological society

دارم که اگر ایشان ایمیلی دارند شما می توانید در این خصوص به من کمک کنید. در غیر اینصورت [ یعنی اگر ایمیل ندارند ] امیدوارم شما بتوانید صمیمانه ترین دروذهای مرا به ایشان برسانید بسیار مایلم که با ایشان در ارتباط باشم با تشکر از کمک شما.

ریمایر هایدر



پاسخ مورای بوکچین به ریمار هایدِر

۱۱ آوریل ۲۰۰۴

## ریمار هایدِر عزیز ؛

از نامه الکترونیکی شما در ۶ آوریل، متشکرم. باید بدانید که من کاملاً مردی سالخورده (۸۳ ساله) هستم که به سبب مشکلات قلبی و آرتروز، عملاً قادر به راه رفتن نیستم. این مسأله را به این خاطر نزد شما مطرح می‌کنم که توضیح دهم چرا اغلب اوقات در پاسخ دادن به نامه‌ها، خصوصاً ایمیل تأخیر دارم. همچنین بایستی خاطرنشان سازم که افرادی که ادعا می‌کنند از جانب من سخن می‌گویند، لزوماً از طرف من صحبت نمی‌کنند - به جز همراه من، ژانیت بیهل، که با او زندگی می‌کنم و آدرس ایمیل وی را با تو به اشتراک می‌گذارم. ( لطفاً آدرس ایمیل او را یادداشت نمایید ).

من نیز مانند اکثر آمریکایی‌ها در مورد حزب کارگران کُردستان (پ.ک.ک.)<sup>۱</sup> و عبدالله اوجالان اطلاعات اندکی دارم؛ گرچه خبر دستگیری وی را از چند سال پیش به خاطر دارم. به لطف مطبوعات محدودمان، آمریکایی‌ها به سختی از امور کُردها مطلع می‌شوند (حتی کُردهای عراق نیز گه‌گه از سوی خبرنگاران جنگی ما مورد غفلت واقع شده‌اند). همین چند روز پیش دریافتم که آقای اوجالان پنج سال است که تحت حکم اعدام قرار داشته و اکنون در حبس انفرادی بسر می‌برند. من از ته دل امیدوارم که وی بتواند از پس این وضعیتش برآید.

به هر حال، ما بر زبان آلمانی تسلط داریم، بنابراین، نباید نگران باشید که ادبیاتی را که به آن زبان برای ما ارسال کرده‌اید درک خواهیم کرد یا خیر؛ هرآنچه که مایلید برای من بفرستید، گرچه من قول می‌دهم که به زبان انگلیسی جواب دهم مشکلی که من در سریع نوشتن با آن مواجه می‌شوم، صرفاً مسأله‌ای پزشکی و مربوط به سلامتی رو به افول

---

۱- حزب کارگران کُردستان (PKK)

من می باشد.

همچنین بایستی بدانید که اگرچه من حدود سی سال پیش، همراه با دان چودورگوف<sup>۱</sup>، مؤسسه « بوم شناسی اجتماعی » را در ورمونت بنیان گذاشتم اما از آن زمان این مدرسه بسیار متنوع گشته و همواره دیدگاه های من را منعکس نمی کند. بخشی از کارکنان آن که من آن ها را نوجوان و یونیفرم پوش می دانم به سوی دیدگاه های آنارشیستی سوق یافته اند و من با آن ها همراه نیستم. این مسأله را بدین خاطر مطرح می کنم تا از تو بخواهم که مستقیماً به آدرس ایمیل ژانت برای من پیغام بگذارید؛ جایی که حداقل می توانم از یک مکاتبه خصوصی بدون مداخله آن بچه های « لیبرترین »، لذت برم.

و اما در مورد خودم؛ حدود هفتاد سال است که به عنوان سازمانده کارگری و معلّم در چپ آمریکایی فعال بوده ام. به طور خلاصه من در نوع خود؛ شکلی از تاریخ متحرک قرن بیست هستم و همواره در صدمه فراتر از ایده هایی که مردم به سان دگما آن ها را جمود بخشیده اند، بنگرم. « اکولوژی آزادی » و « به سوی جامعه ای اکولوژیک » هر دو به سالهای دهه ۸۰ باز می گردند. افزون بر آن بایستی بدانید که « اکولوژی آزادی » صرفاً به صورت جزئی به زبان آلمانی ترجمه شده است ( البته معتقدم که ترجمه ترکی کامل صورت گرفته است ). من همچنین در مورد مفهوم شهرداری لیبرترین<sup>۲</sup>، کنفدرالیسم، معنای سیاست به مثابه امری متمایز از پارلماناریسم، و درس هایی که بایستی از سنت انقلابی آموخت، کتاب ها و مقالاتی نگاشته ام. ( در رابطه با موضوع آخر اخیراً کتابی چهار جلدی را به اتمام رساندم که جلد سوّم آن قرار است ماه آینده از سوی انتشارات « کانتینوم پابلیشرز »<sup>۳</sup> در لندن انتشار یابد ). این

۱- Dan Chodoroff: از بنیانگذاران مدرسه بوم شناسی اجتماعی و نویسنده در زمینه نظریه اکولوژی اجتماعی؛ وی در زمینه انسان شناسی


فرهنگی نیز به فعالیت تحقیقی می پردازد.

2- Libertarian Municipalism

3- Continuum Publishers

نوشته‌ها - به ویژه « ظهور شهرنشینی و افول شهروندی »<sup>۱</sup>، که به هر دو زبان ترکی و آلمانی ترجمه شده است - ممکن است مورد علاقه شما و آقای اوجالان باشد نوشته‌های فوق‌الذکر، علاقه وافری را در آمریکای لاتین، اسکانديناوی و ديگر بخش‌های اروپا و استرالیا برانگیخته است. چیزهای فراوانی برای تحقیق باقی مانده است که سلامتی و کھولت سن، مرا از انجام آن‌ها باز می‌دارند. اگر می‌خواهید دوباره برای من [نامه] بنویسید، از شما می‌خواهیم در قبال این رادیکال سالخورده بیشتر شکیباً باشید. می‌خواهم احترامات فائقه خویش را به آقای اوجالان ابراز نمایم.

**مورای بوکچین**



نامهٔ ریمار هایدر و الیور کُنتنی به مورای بوکچین

۲۰۰۴ مه ۵

## مورای بوکچین عزیز ؛

مشعوفیم که به اطلاع شما برسانیم که متعاقب نامه نگاری مان، وکلای مدافع آقای اوجالان در استانبول را در جریان محتوای نامه شما قرار دادیم. آقای آیدین کایا<sup>۱</sup> یکی از اعضای تیم دفاع، در خلال آخرین ملاقات قانونی موضوع را مختصراً به اطلاع آقای اوجالان رساند. ظاهراً آقای اوجالان از توجه شما بسیار خرسند گشته و از نمایندگانشان خواسته اند که سریعاً با شما ارتباط بگیرند. وی صمیمانه ترین دروذهای خویش را برای شما فرستاد و اظهار داشت که شما و امانوئل والرشتاین<sup>۲</sup>، دو نویسنده ای هستید که در حال حاضر بیش از همگان بدانها می پردازد. آقای اوجالان تأکید ورزیده اند که فکر می کنند درک درستی از ایده های شما بدست آورده است. در واقع، او خود را « شاگرد خوب » شما خواند و به وکلایش سپرده است که در سریعترین زمان ممکن آخرین دست نوشته اش را برای شما ارسال کنند. این نسخه ؛ دست نوشته ای است که وی به تازگی برای جلسه رسیدگی به پرونده اش در ۹ ژوئن ۲۰۰۴ در دفتر دادگاه اروپایی حقوق بشر ارسال کرده است. ترجمه انگلیسی سند توسط یک شرکت ترکیه ای صورت می پذیرد ؛ امیدواریم بتوانیم تا ماه ژوئن نسخه ای خوانا از متن را به شما تقدیم کنیم.

آقای اوجالان بیان کرده اند که متأسفانه در ترجمه ترکی چهار کتابی که از شما خوانده است، کاستی هایی وجود داشته که در مواردی با ایده های شما متناقض جلوه می نماید. با این حال، چیزی که وی به صورت ویژه بر آن تأکید ورزیداند، این مسأله بود که مشتاق است اندیشه شما را دنبال کند و به باروری آن در رابطه با کاربردش در جوامع خاورمیانه کمک نماید. وی مایل است که به شما اطمینان دهد که لازم نیست

1-Aydin Kaya

۲ - Immanuel Wallerstein : جامعه شناس و اندیشمند چپ‌گرای آمریکایی و واضع نظریه نظام های جهانی می باشد. والرشتاین در سال ۲۰۱۹ درگذشت.



بخاطر عدم قدردانی برخی از پیروان جوان خود؛ از ظرافت ها و پویایی اندیشه تان خیلی خودتان را آزرده خاطر سازید زیرا جنبش آزادیخواهی گُردستان مَصَّم است که ایده های شما را با موفقیت عملی سازد. وی مسأله ای را اضافه کرد با این مضمون که فکر می کند سه کتابی که در زندان نوشته است، در مجموع می توانند پاسخ هایی برای مقولات نظری و عملی ارائه دهد که مارکسیسم طی ۱۵۰ سال گذشته نتوانسته است آن ها را حل و فصل نماید. اکنون وی صراحتاً بیان می کند که تصور شکل گیری دولت در بین النهرین اولیه به مثابه پیشرفت « اجتناب ناپذیر » دیکته شده توسط علیّت تاریخی و امری ضروری برای پیشرفت بشری، از لحاظ تئوریک غیرقابل دفاع می باشد.

آقای اوجالان در این دست نوشته جدید، برخی از استدلال های پیشین خوددرباره گذار از جامعه نوسنگی به جامعه اولیه هیرارشیک را مورد تجدید نظر قرار داده اند و نکات فوق العاده بدیعی را در رابطه با پیامدهای معرفت شناختی نظریه « کائوس » برای مطالعات تاریخی و اجتماعی و دیدگاه های سیاسی، مطرح کرده اند که برگرفته از مفاهیم نظری تاریخ بشر هستند. وی پیامدهای این امر را در رابطه با برداشت از تاریخ بین النهرین، و نتیجه گیری هایی که از اثر پیشین خود گرفته اند را مورد بررسی قرار داده اند. بنابراین پارادایم « دولت سازی » به مثابه هدف پروسه های رهایی بخش را به کلی کنار گذاشته اند. ایشان در ادامه مفهوم جامعه اکولوژیک - دمکراتیک و اجرای عملی؛ شهرداری گرای لیبرترین در کردستان را تشریح می نماید.

با این حال ایشان تأکید دارند که کارشان یک کار آکادمیک نیست و هرگز نمی تواند باشد؛ بلکه کاری است در جستجوی راه برون رفت از بحرانی که گُردها و خاورمیانه در آن به سر می برند. وی انتقادات خیره کننده ای را متوجه گفتمان علمی غربی نموده اند و تأکید دارند که رویکرد

وی همواره با بازخوانی گفتمان های سنتی خاورمیانه همراه خواهد بود. علی‌رغم مشکلات آشکار در ایجاد ارتباط با آقای اوجالان، ما از بابت کمک به شما برای گسترش ارتباط با ایشان، بسیار خوشحال هستیم. بی‌صبرانه در انتظار پاسخ شما هستیم؛ با درود هایی گرم.

ریمار هایدِر

ألیور کُنْتِنی



نامهٔ مورای بوکچین به ریمار هایدِر

۲۰۰۴ ۹

## ریمار گرامی ؛

از شما بابت انتقال نظرات آقای اوجالان متشکرم. از اینکه وی اندیشه های من در مورد شهرداری گرای لیبرترین را برای تفکر در خصوص بدنه سیاسی آینده گُردستان مفید می داند، بسیار خوشحال هستم. همچنین بابت زحماتتان برای میانجیگری جهت ایجاد گفتگویی میان من و آقای اوجالان قدردان شما هستم. از شما می خواهم دریابید که من فرد ۸۳ ساله نحیفی هستم که دیگر نمی توانم ساعت ها جلوی یک واژه پرداز بنشینم و مقاله یا حتی نامه بنویسم ؛ حتی مطالعه بیش از چند ساعت در روز، برای من سخت است ( حتی برای این نامه کوتاه نیز من به کمک ژانیت نیاز داشتم ). من باید بخش عمده ای از وقت خودم را در رختخواب بگذرانم بدین ترتیب، من در موقعیتی نیستم که بتوانم آنگونه که مایلم، گفتگوی نظری گسترده ای با آقای اوجالان داشته باشم و در بهترین حالت؛ قادر به ارائه پاسخ هایی کوتاه و ناقص می باشم. بخاطر این نقصان عمیقاً متأسفم، اما تا حدّ زیادی با اجتناب ناپذیری پیری و مرگ کنار آمده ام.

به نظر می رسد که آقای اوجالان دلمشغول این مسأله هستند که استفاده ایشان از منابع دیگر، همپای منابع من به ویژه منابع خاورمیانه؛ مرا متأثر سازد. او باید کاملاً مطمئن باشد که اگر از سایر منابع به صورت تمام و کمال بهره نگیرد، بسیار ناراحت خواهم شد. لطفاً از جانب من آرزوی بهترین ها را به آقای اوجالان ابلاغ نمایید. امیدوارم روزی برسد که خلق گُرد بتوانند جامعه ای آزاد و منطقی را بنیان نهند که دگر بار، درخشش آن ها را شکوفا سازد. آن ها واقعاً خوش شانس هستند که از استعداد های رهبری آقای اوجالان برای راهنماییشان برخوردار هستند. همراه با صمیمانه ترین درودها.

مورای بوکچین



نامهٔ ریمار هایدِر و یوتا اشنایدر بانگر  
به مورای بوکچین و ژانت بیهل

۱۰ دسامبر ۲۰۰۴

## ژانت بیهل عزیز، مورای بوکچین گرامی ؛

به استحضار می‌رساند که نامه محبت آمیز و اظهارات مثبت شما در خصوص آقای اوجالان، در دومین نشست مجمع عمومی کنگره خلق کُردستان<sup>۱</sup> - که تابستان در کوهستان های کُردستان برگزار شد - قرائت شد و بسیار مورد استقبال قرار گرفت.

شرایط حبس آقای اوجالان بهبود نیافته است و در واقع، ایشان به لحاظ امکان ارتباط با جهان خارج و حتی وکلا و خانواده اش نیز به شدت محدود شده است. از اینرو سازمان دادن تبادل افکار از پشت دیوارهای سلول زندان روز به روز دشوارتر می‌گردد. با این وجود، در چند مورد از اندک ملاقات هایش با وکلا، باز هم کتاب های مورای بوکچین، به ویژه کتاب « شهرنشینی بدون شهر »<sup>۲</sup> را توصیه نموده است.

قبلاً قسمتی از کتاب سال ۲۰۰۳ او را برای شما فرستادیم که در آن، به بازسازی کمونالیته<sup>۳</sup> در روستاها و شهرهای کُردستان می‌پردازد. وی در آخرین کتابش که امسال به زبان تُرکی منتشر شد، بخش بیشتری را به مبحث ظهور هیرارشی در جامعه بشری اختصاص داده اند و به ویژه بر شخصیت مردسالارانه تمدن طبقاتی و سلسله مراتبی تأکید داشته اند. الگویی که ایشان از « تمدن » ارائه می‌دهد، صرفاً بر نزع طبقاتی متمرکز نیست بلکه « جامعه طبیعی »<sup>۴</sup> را همچو قطب مخالف تمدن طبقاتی در خلال تاریخ، می‌نگرد. « جامعه طبیعی » خود را در قالب گروه های اتنیکی، جنبش های طبقاتی، و نحله های فلسفی و دینی متجلی می‌سازد که از آزادی خویش صیانت کرده اند. در دیدگاه ایشان انقیاد زنان، نقشی کلیدی در انقیاد انسان آزاد دارد. از اینرو وی توصیف گسترده ای از روند استقرار سیستم مردسالار ارائه داده اند.

1- Kurdistan People's Congress

2 - Urbanization without Cities

3- Communnality

4 - Natural society

همچنین این کتاب مشتمل بر انتقاداتی بسیار صریح از مارکسیسم جزمی<sup>۱</sup> کلاسیکی است که آقای اوجالان، مدّت‌ها بدان پایبند بوده‌اند. وی به ویژه رویکرد سوسیالیسم رئال به خشونت، قدرت و دولت را مورد انتقاد قرار می‌دهد. گروهی انقلابی که از این لحاظ تفاوتی اساسی با ضدّ خویش نداشته باشد، محکوم به جذب و هضم در سیستم می‌باشد؛ همانگونه که سوسیالیسم رئال در کاپیتالیسم هضم شد. ایشان جنبش زنان را مهمترین جنبش انقلابی قرن بیستم تلقی می‌کنند؛ زیرا [ جنبش زنان ] با تحلیلش از جنسیت‌گرایی در تمامی عرصه‌های اجتماع و به ویژه علوم اجتماعی، تعارضات اساسی اجتماع را بیش از آنچه که هر مکتب فکری دیگری قبلاً انجام داده بود، آشکار ساخته است.

آقای اوجالان در اثرش به کرات به مفاهیمی نظیر جامعه اکولوژیک و شهرداری‌گرایی لیبرترین اشاره می‌کند، اگرچه وی بر نکاتی متفاوت از شما تأکید می‌کند.

### ژانت عزیز؛

با توجه به آنچه که از انتشارات شما می‌دانیم - که شوربختانه هنوز به ترکی ترجمه نشده‌اند - ممکن است شما نیز علاقه مند به بحث یا انتقاد از نقطه نظرهای آقای اوجالان باشید. می‌دانیم که وی از انتقاد استقبال می‌کند، به ویژه به این دلیل که به سبب حبس انفرادی که تا کنون ۶ سال به طول انجامیده است، امکان گفتگو درباره افکارش بسیار محدود شده است.

از ابتدای دهه ۸۰ جنبش زنان در گُردستان شکل گرفت که امروزه قدرت قابل توجهی یافته است. توسعه جنبش مزبور ارتباط تنگاتنگی با تلاش

1- Dogmatic


های آقای اوجالان و جنبش مبارزات آزادیبخش کردستان دارد. مناظراتش با جنبش زنان کُرد در مورد جایگاه زنان در جامعه، به طرز قابل توجهی بر وی تأثیر گذاشته و اندیشه های فوق الذکر به شدت در جنبش زنان امروز مورد بحث واقع می شوند.

زنان کُرد در تبعید در اروپا، بسیار علاقه مند به ایجاد پُلی ارتباطی میان مباحثاتی که در کوهستان و شهرهای کُردستان صورت می گیرد با جنبش ها و فعالین دیگر بخش های جهان می باشند. جنبش زنان کُرد در آلمان - جایی که بیشتر کُردهای در تبعید در آنجا زندگی می کنند - تابستان امسال، نخستین فستیوال جهانی زنان را با هدف گسترش بحث پیرامون نقش زنان در جامعه و دیدگاه های جنبش آزادیبخش کُردستان برگزار نمود. زنان از کشورهای مختلف درگفتگودر بارهٔ صلح و خشونت علیه زنان، مشارکت جستند. شعار این فستیوال عبارت بود از: « زنان مرزها را درنوردیده و به یکدیگر می پیوندند! ». موضوع اصلی فستیوال دوّم در سال ۲۰۰۵، اکولوژی خواهد بود. ما مایلیم زنان را از نقاط مختلف جهان دعوت نمائیم و با خود فکر کردیم که ممکن است علاقه مند به شرکت در بحث های ما باشید.

ریمار هایدر

یوتا اشنایدر بانگر





از ژانف بیهل به ریمار هایدر و یوتا اشنایدر بانگر

۱۱ دسامبر ۲۰۰۴

## یوتا اشنایدربانگر و ریمار هایدر گرامی ؛

شنیدن این مطلب که اظهارات مورای بوکچین در دوّمین مجمع عمومی کنگره خلق گُردستان در تابستان گذشته قرائت شد، بسیار هیجان انگیز است و مایه خُرسندی است که می دانیم اکنون بسیاری از گُردها به ایده های او نگاه مثبت دارند.

از نامه ۱۰ دسامبر شما متشکرم و خواهشمندم عذرخواهی مرا بابت تأخیر در پاسخگویی بپذیرید. بدین دلیل به تأخیر افتادم که مورای گفت که می خواهد خودش برای شما نامه بنویسد، و من معتقدم که این خواسته ای راستین است اما تا به امروز، وضعیت تندرستی وی مانع انجام این کار شده است.

برای ما مکاتبه با شما ( و با هر شخص دیگری ) دشوار شده است زیرا سلامت مورای به طور پیوسته رو به افول است. سطح درد او از آرتروز در حال افزایش است و او مسکن مصرف می کند، اما انتخاب او محدود کردن مصرف آن ها است تا حدّی که عملکرد ذهنی وی را مختل نکند. بنابراین وی در نبردی بی امان با درد به سر می برد که بسیار تضعیف کننده است. اخیراً با نزدیک شدن به تولد ۸۴ سالگی اش، اغلب گیج و سردرگم است و از درک بسیاری از محاورات ساده نیز عاجز است. به عنوان مراقب وی و یار او، شاید این سختترین چیزی باشد که می توان با آن کنار آمد. با این حال هنوز آن قضاوت مبتدی خوب را حفظ نموده است، روحیه اش هنوز گرم، گسترده و دوست داشتنی است و به ویژه این اواخر مجذوب تمام اخباری گشته است که از گُردها و مسأله گُردها دریافت می کند. شما در سال های زوالش، چراغ راه وی گشته اید.

من از دعوت شما برای مشارکت در بحث های جنبش زنان گُرد پیرامون اکولوژی بسیار مفتخرم. حدود پانزده سال پیش من کتابی نوشتم که در آن؛ از « اکو فمینیسم » به خاطر ماهیت ارتجاعی اش، انتقاد کردم. از

آن زمان « اکوفمینیسم » به طور کلی از گفتمان جنبش ناپدید گردید ( اگرچه هنوز برخی از دانشگاهیان در خصوص آن تردید دارند ). از آن زمان به بعد چندان با جنبش فمینیستی در ارتباط نبوده ام، زیرا ترجیح داده ام به عنوان مدافع اکولوژی اجتماعی فعالیت نمایم.

امروزه من به دلیل کارم - یعنی مراقبت از مورای سالخورده - چندان درگیر کار سیاسی نیستم. بدلیل آنکه وی از سیاست بازنشسته شده است، من نیز فعالیت های خود را کاهش داده ام تا از او مراقبت نمایم بنابراین گمان نمی کنم که قادر به مشارکت مکرر در بحث های شما باشم یا کمک قابل توجهی به آن ها داشته باشم لیکن من از دعوت شما سپاسگزارم و برای شما تبادلی پُربار را آرزومندم.

من فوراً هرآنچه را که مورای بتواند برای شما و اوجالان بنویسد منتقل خواهم کرد لطفاً بهترین دروهای ما را به او برسانید.

ژانت بیهل

برلینگتن، ورمونت



درک این مطلب که چرا هیچگاه ارتباطی مستقیم میان بوکچین و رهبر آپو صورت نگرفت، چندان دشوار نیست. نامه های مندرج در این کتابچه نیز چندین بار به صورت شفاهی از شخصی به شخصی دست به دست شده اند تا به دست مخاطبان اصلی خویش برسند. البته از آنجایی که واسطه های ایجاد این ارتباط غیرمستقیم، از یک سو و کلا و مترجمان آثار رهبر آپو و از دیگر سو، ژانت بیهل - همسر و هم‌رزم مورای بوکچین می باشند، در صحت و سقم محتویات این نامه ها نمی توان تردید کرد. در این ارتباط غیرمستقیم، آقای ریمار هایدر مترجم آلمانی آثار رهبر آپو، نقشی اساسی ایفا می کند و وظیفه رد و بدل کردن نامه ها و انتقال محتویات آنها به عهده ایشان بوده است. علاوه بر این وی تا حدودی اخباری مرتبط با گرویدن رهبر آپو به نظریه «اکولوژی اجتماعی» و آثار منتشر شده تا ۲۰۰۴ را به اطلاع مورای بوکچین رسانده است. البته در این راه، وی از کمک یوتا شنایدر بانگر و الیور کنتنی نیز برخوردار بوده است. حاصل این تلاش های شایان تقدیر شش نامه چاپ شده در این کتابچه است.

## مکاتبات بوکچین - اوچالان

ریمار هایدر